

نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس مطالعه موردی: تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان

جابر پاریاب* - مربی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زابل
ناصر زمانی میاندشتی - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز
غلامرضا پزشکی‌راد - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس
حبیبه جمالی - کارشناس ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۲۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

چکیده

امروزه توانمندسازی زنان ضمن اینکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف توسعه‌ای دیگر قلمداد می‌شود، خود به‌تنهایی نیز هدف است. در دهه‌های اخیر، توانمندسازی به‌عنوان سازوکاری برای افزایش کیفیت زندگی کاری و شخصی زنان مطرح شده است. هدف این پژوهش، ارزیابی تأثیر تعاونی تولید روستایی زنان همایجان - که از تعاونی‌های موفق در ایران است - بر توانمندسازی زنان است. روش تحقیق این پژوهش، مطالعه موردی است، که برای تعیین نمونه در آن از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که ۱۲۳ نفر از اعضای تعاونی آن را تکمیل کردند، جمع‌آوری شد (N=۳۰۰). تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی اعضا، در ابعاد توانمندی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی و توانمندی روانی اندازه‌گیری شد. روایی ظاهری پرسشنامه در نشست با حضور متخصصان تأیید شد و پایایی آن نیز از طریق آزمون پیشاهنگ به‌دست آمد. نتایج پژوهش نشان دادند که تعاونی روستایی زنان همایجان تأثیر اندکی در توانمندی زنان عضو، در ابعاد مختلف توانمندی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی و روانی داشته است. نتایج همچنین حاکی از آن بود که میزان رضایت اعضا از تعاونی و هیئت مدیره، و میزان درآمد اعضا مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر توانمندی اعضای تعاونی است.

کلیدواژه‌ها: تعاونی روستایی زنان، توانمندی اجتماعی-فرهنگی، توانمندی اقتصادی، توانمندی خانوادگی، توانمندی روانی، توانمندی زنان.

مقدمه

مطالعات اخیر پژوهشگران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها - اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی - امکان‌پذیر نیست. طی بیست سال گذشته، نقش محوری زنان روستایی در بسیاری از جنبه‌های توسعه، از قبیل امنیت غذایی، پایداری محیط‌زیست، ریشه‌کنی فقر، کنترل جمعیت، و توسعه اجتماعی برای جامعه بین‌المللی آشکار شده است. زنان در اغلب راهبردهای توسعه پایدار، نیروهای اصلی و محوری قلمداد می‌شوند. از آنجاکه زنان اکثریت فقرا را تشکیل می‌دهند و از تخریب منابع طبیعی و فروپاشی روستاها آسیب فراوان می‌بینند، سیاست‌های فقرزدایی، به‌طور خودکار زنان را نیز دربرمی‌گیرد و آنها را بهره‌مند می‌سازد. با این حال، آمار موجود نشان می‌دهد که زنان، تولیدکننده نیمی از مواد غذایی در جهان هستند ولی به‌ندرت مالکیت زمین را در اختیار دارند (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۶). تأکید بر توانمندسازی زنان، صرف‌نظر از دلایل انسان‌دوستانه و عدالت جنسی، به‌دلیل اهداف توسعه‌ای و نقشی که در ارتقای بهره‌وری و رشد اقتصادی جوامع دارد، صورت گرفته و زنان به‌عنوان عاملان توسعه قلمداد شده‌اند. آنان از این‌رو در خط مقدم مبارزه با فقر در نظر گرفته شده‌اند که به‌دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی قدرت مشارکت چندانی در فرایندهای تصمیم‌گیری خانواده و جامعه پیدا نکرده‌اند (World Bank, 1998). توانمندسازی زنان و مشارکت آنها در فرایندهای مختلف زندگی، به‌عنوان یکی از نشانه‌های مهم موفقیت برنامه‌های مبارزه با فقر تلقی شده است (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶).

از آنجاکه در دو دهه اخیر، همه سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کشور به‌طور جدی و فراگیر به موضوع توانمندسازی زنان پرداخته‌اند، و همچنین با توجه به جایگاه و نقش ارزشمند و شایسته زنان در اقتصاد کشور، دولت برای بهبود شرایط کاری در جامعه زنان، تشکیل شرکت‌های تعاونی زنان را در دستورکار قرار داده است و از آن پشتیبانی می‌کند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). رویکرد تعاونی یکی از بهترین سازوکارهای مشارکت نظام‌مند مردمی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی است، که اشتغال و معیشت پایداری را

برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد ایجاد می‌کند. این رویکرد برای توانمندسازی زنان بسیار مناسب است، چراکه گروهی از زنان به دلیل مسئولیت‌های چندگانه و دسترسی کمتر به برخی منابع، قادر به راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل نیستند و نمی‌توانند به‌تنهایی به اهداف اقتصادی و اجتماعی‌شان دست یابند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۷). بسیاری از کارشناسان توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، بر ضرورت تشکیل تعاونی‌های زنان تأکید می‌کنند. آنها با تأکید بر نقش و پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، به تقویت مشارکت زنان در فرایند توسعه کشور با سازوکار تعاونی توجه کرده‌اند (قاسمی، ۱۳۷۹؛ شجاعی، ۱۳۸۰؛ ویسی و بادسار، ۱۳۸۱).

ایجاد شکل برای زنان روستایی راهکار مناسبی برای اعتلا و رشد اقتصادی و اجتماعی آنان است، زیرا شکل‌ها افزون بر تولید و توزیع کالا و خدمات می‌توانند در بهبود شرایط اقتصادی خانواده روستایی، ارتقای سطح درآمد، برقراری عدالت اجتماعی، و افزایش مشارکت اجتماعی زنان نیز مؤثر باشند. در زمان حاضر، شکل‌های زنان روستایی از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای اشکال مختلفی هستند، که به‌صورت رسمی و غیررسمی فعالیت می‌کنند. از عمده‌ترین این شکل‌ها می‌توان به تعاونی‌ها، صندوق‌های اعتبارات خرد، گروه‌های خودیار محلی و شبکه تولیدکنندگان خانگی اشاره کرد.

امروزه توانمندسازی به‌عنوان یکی از فنون مدیریتی در واکنش به نیاز کسب‌وکار در سازمان‌ها در سطح جهانی به‌کار گرفته می‌شود (Johnson, 1993; Barry, 1993; Foy, 1994). توانمندسازی با شکل‌های جدید سازمانی - نظیر ساختار شبکه‌ای - بیشتر همخوانی دارد، و مجموعه‌ای از فنون انگیزشی است که از طریق افزایش سطوح مشارکت و خودتصمیم‌گیری برای بهبود عملکرد کارکنان طراحی شده است. کاپلمن و ریچاردز^۱ (۱۹۹۶) استدلال می‌کنند که دستیابی به توانمندسازی - همانند دیگر تغییرات - مستلزم پیروی از راهبرد تدریجی و افزایشی

1. Kappelman & Richards

در پیاده‌سازی آن است. به‌زعم آنها، نقش آموزش در اجرای موفقیت‌آمیز فرایند توانمندسازی، انکارناپذیر است.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اطلاعات چندانی در مورد چگونگی موفقیت و تأثیر تعاونی‌های روستایی و به‌ویژه تعاونی‌های روستایی زنان در زندگی اعضا وجود ندارد. تاکنون پژوهش‌های محدودی به بررسی نقش تعاونی تولید روستایی زنان در توانمندسازی زنان پرداخته‌اند. هدف از انجام تحقیق حاضر آگاهی از میزان و نحوه تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر توانمندسازی اعضای تعاونی، شناسایی نقاط ضعف و قوت این تعاونی و عوامل مؤثر بر توانمندی اعضای تعاونی است. در تحقیق حاضر، اهداف زیر مشخصاً دنبال شدند:

- تعیین میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی؛
- تعیین میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر توانمندی خانوادگی اعضای تعاونی؛
- تعیین میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر توانمندی اجتماعی- فرهنگی اعضای تعاونی؛
- تعیین میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر توانمندی روانی اعضای تعاونی؛ و
- شناسایی عوامل مرتبط با میزان تأثیر تعاونی بر توانمندی اعضا.

مبانی نظری تحقیق

توانمندسازی زنان یکی از مباحثی است که به‌تازگی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. توانمندسازی زنان یعنی زنان باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که براساس خواست‌های‌شان امکان انتخاب داشته باشند. به‌عبارت دیگر، توانمندسازی زنان به این مفهوم است که آنان برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا کنند و این امر به رفع تبعیض از میان مردان و زنان منجر شود، یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع گردد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲). مرور پیش‌نگاشته‌ها نشان می‌دهد که تشکیل تعاونی‌های زنان و ایجاد

بستری برای فعالیت زنان در جامعه، به‌عنوان راهبردی برای توانمندسازی زنان در سال‌های اخیر مطرح بوده است. در مطالعه حاضر با بررسی نقش تعاونی روستایی زنان در توانمندسازی اعضا در ابعاد مختلف، زمینه‌ای برای درک چگونگی تأثیرپذیری اعضا از تعاونی فراهم می‌گردد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده متخصصان و پژوهشگران و همچنین مسئولان امر تعاون در کشور قرار گیرد.

در جامعه‌شناسی، اندیشه‌های توانمندسازی عمدتاً به جنبش‌های حق‌طلبی - مانند حقوق زنان و حقوق مدنی- اشاره دارد، که در آنها مردم برای آزادی و کنترل اوضاع شخصی‌شان مبارزه می‌کنند. اگرچه مفهوم توانمندسازی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در مطالعات مدیریت و روان‌شناسی وارد شد، اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند که توانمندسازی ریشه در گذشته‌های دور دارد. وتن و کمرون (۱۹۹۸) اظهار می‌کنند که این مفهوم به هیچ‌عنوان تازه نیست، بلکه در رشته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم دینی ریشه‌هایی دارد که حتی به قرن‌های گذشته برمی‌گردد. تاکنون توانمندسازی زنان به شکل‌های متفاوتی تفسیر شده و معانی جدیدی به آن اضافه شده است. امروزه کارشناسان این مفهوم را در بخش‌های مختلف کسب‌وکار، مددکاری اجتماعی و مباحث توسعه به‌کار می‌گیرند. تعاریف مختلفی از توانمندسازی زنان ارائه شده است که در بیشتر آنها از توانمندسازی به‌عنوان روندی منحصربه‌فرد برای به‌دست گرفتن کنترل و مسئولیت زندگی و موقعیت فرد، و همچنین به‌عنوان روندی سیاسی برای اعطای حقوق بشر و عدالت اجتماعی به گروه‌های محروم یاد شده است. کبیر (۱۹۹۹)، توانمندسازی زنان را توانایی زنان برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در زندگی - که قبلاً فاقد آن بودند- تعریف می‌کند (Kabeer, 1999). بنت (۲۰۰۲) توانمندسازی را افزایش توانایی‌های گوناگون افراد و گروه‌ها در به‌دست‌آوردن نفوذ در نهادهای خود و تحت تأثیر قراردادن این نهادها تعریف می‌کند. رحیم و بلدن (۱۹۹۵) استدلال می‌کنند که خوداشتغالی زنان، به توانمندسازی اقتصادی آنان انجامیده، وابستگی‌شان را به مردان و سازمان‌های حمایتی کاهش داده و از آسیب‌پذیری آنان کاسته است (Raheim & Bolden,

1995). دیویس (۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که توانمندسازی روان‌شناختی زنان، کیفیت نقش مادرائه آنان را بهبود می‌بخشد و از پریشانی‌های روان‌شناختی خانواده می‌کاهد (Davis, 2010). در برخی مطالعات نیز بیان شده است که مشارکت فعال زنان در محیط شغلی به افزایش اقتدار شخصی، بین‌فردی و سیاسی آنان منتهی می‌شود (Almeleh et al., 1993).

پزشکی‌راد و کیان‌مهر (۱۳۸۰) در تحقیقی با موضوع نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان گندم‌کار شهرستان سبزوار، استدلال کردند که عملکرد اعضای تعاونی‌های تولید از لحاظ میزان تولید، میزان مکانیزاسیون، و متوسط درآمد روستاییان در مقایسه با کشاورزان غیرعضو آشکارا بالاتر است و تفاوت آماری معناداری بین آنها وجود دارد. نتایج تحقیقات ترکمانی و عبدشاهی (۱۳۷۷)، احمدی (۱۳۷۸)، پزشکی‌راد و کیان‌مهر (۱۳۸۰) و صدیقی و درویش‌نیا (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی اعضای شرکت‌های تعاونی تولید در مقایسه با پیش از عضویت، بهبود جدی پیدا کرده است. نتایج تحقیق کتابی و همکاران (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی، در افزایش توانمندی زنان نقش بسزایی دارد و توانمندی زنان دارای شغل و درآمد، بالاتر است. آجیلی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با نام «بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان استان خوزستان و راه‌های ارتقای کمی و کیفی آنها»، نتیجه گرفتند که بین متغیرهای سابقه کار، ویژگی‌های مدیریتی، سطح سواد و میزان سرمایه زنان، با پیشرفت تعاونی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق شادی‌طلب (۱۳۸۱) درخصوص رفتارهای اقتصادی زنان روستایی، نشان می‌دهد که کسب درآمد مستقل زنان باعث شده است که آنان به سمت کسب استقلال حرکت کنند. سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با نام «بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان همدان» نشان دادند که متغیرهای تحصیلات همسر، اعتمادبه‌نفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، خوداثربخشی، نگرش

جنسیتی، مشارکت اقتصادی و تحرک اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی دارد. اعظمی و سروش‌مهر (۱۳۸۹) در تحقیقی با نام «تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید»، نشان دادند که سه متغیر سابقه عضویت، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و سابقه مدیریت، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونی دارد. امینی و رضانی (۱۳۷۹) با بررسی درآمد زنان روستایی و خوداتکایی آنان، استدلال کردند که گرچه کار بانوان روستایی تأثیر چندانی بر استقلال آنها برای مصرف درآمدها ندارد، اما با افزایش درآمد، میزان استقلال برای مصرف افزایش می‌یابد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که دو متغیر سن و طول دوره ازدواج زنان روستایی، با استقلال مالی آنها رابطه مثبت و معناداری دارد. راودراد (۱۳۷۹) در تحقیقی با موضوع استقلال زن و خانواده در چند واحد کارگری شهر تهران، نشان داد که استقلال کاری زنان، قدرت تصمیم‌گیری را برای‌شان به ارمغان می‌آورد. جایارامان^۱ (۱۹۷۵) با بررسی وضعیت جای‌کاران در کشتزارهای سریلانکا نشان داد که زنان با درآمد نسبتاً خوبی که از مشارکت مستقیم در مزارع به‌دست می‌آورند، قدرت و نفوذ بیشتری بر همسران‌شان دارند و مداخله‌شان در مخارج و درآمد خانواده نیز بیشتر است. وی همچنین اظهار کرد زنانی که عضو شوراهای محلی هستند، دوشادوش مردان کار می‌کنند و در بیشتر تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی، طرف مشورت همسران‌شان قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که زنان طبقه برتر که در کارها و فعالیت‌های کشاورزی مشارکت ندارند، در تصمیم‌گیری‌های همسران‌شان نیز نقش چندانی ندارند. سلطانی (۱۳۷۸ و ۱۳۸۱) در تحقیقات خود نشان داد زنانی که در تعاونی‌ها عضوند، رضایت بیشتری از زندگی‌شان دارند و ضمن برخورداری از استقلال نسبی مالی، مشارکت اجتماعی‌شان نیز گسترده‌تر است. طاهرخانی و حیدری ساریان (۱۳۸۳) در تحقیقی با نام «نقش تعاونی‌های

1. Jayaraman

تولیدی در توسعه مناطق روستایی»، تأثیر تعاونی‌های تولیدی را در توسعه مناطق روستایی تحلیل کردند و دریافته‌اند که عضویت در تعاونی‌های تولیدی، در کل شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی و در نهایت در توسعه مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر تأثیرگذار بوده است. بررسی روند تغییرات شاخص‌های توسعه در دو دوره قبل و بعد از عضویت در تعاونی‌ها، در کلیه شاخص‌های توسعه در این تحقیق، به اثبات رسیده است.

توماس و ولتهوس^۱ (۱۹۹۰) نشان دادند که حیطة کنترل، به صورت مستقیم بر توانمندی روانی تأثیر دارد. یافته‌های تحقیقات کانگر و کانگو^۲ (۱۹۹۸) و اسپریتزر^۳ (۱۹۹۵) نشان داد که عزت‌نفس^۴ و خوداثربخشی^۵ می‌توانند مستقیماً بر توانمندی روانی تأثیر بگذارند. برخی محققان نظیر کوبرگ^۶ و همکاران (۱۹۹۹) و هنسر و جورج^۷ (۲۰۰۳)، رابطه مثبتی را بین احساس توانمندی و موقعیت سازمانی افراد گزارش کرده‌اند. آنها معتقدند کسانی که موقعیت سازمانی بهتری دارند، با فضای کارشان بهتر سازگار می‌شوند و به صورت تجربی یاد می‌گیرند که تلاش و پشتکار می‌تواند منجر به شایستگی و عملکرد بهتر شود، و این‌گونه احساس توانمندی بیشتری می‌کنند (Schneider, 1987). دنمارک^۸ (۱۹۹۳) نشان داد که هرچه مقام سازمانی فرد بالاتر باشد، احساس توانمندی وی نیز قوی‌تر است. هنسر و جورج (۲۰۰۳) گزارش کردند که رابطه معناداری بین جنسیت و احساس توانمندی وجود دارد، و زنان در ابعاد معناداری (با معنی بودن کار برای فرد) و تأثیر توانمندی روانی، احساس توانمندی کمتری در مقایسه با مردان دارند. آنها نشان دادند که کارکنان قدیمی‌تر، نمره بالاتری در ابعاد معناداری،

1. Thomas & Velthouse
2. Conger & Kanungo
3. Spreitzer
4. Self Esteem
5. Self Efficacy
6. Koberg
7. Hancer and George
8. Denmark

شایستگی و تأثیر توانمندی روانی در مقایسه با کارکنان جوان‌تر دارند. هنسر و جورج نشان دادند که افراد با تحصیلات پایین‌تر نمره بالاتری در ابعاد معناداری و احساس کلی توانمندی دارند. سیگال و گاردنر^۱ (۲۰۰۰) بر رابطه بین عوامل سازمانی و ابعاد توانمندی روانی تأکید ورزیدند. آنها گزارش کردند که ارتباطات بین مدیران و روابط عمومی در سازمان، رابطه معناداری با توانمندی روانی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی و از لحاظ روش تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است که در سال ۹۰-۱۳۸۹ در مورد شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان واقع در شهرستان سپیدان است (N= ۳۰۰). نمونه آماری تحقیق، ۱۲۳ نفر (بر اساس جدول پیشنهادی بارتلت^۲ و همکاران، ۲۰۰۱) تعیین گردید. از آنجا که جامعه آماری این تحقیق اعضای تعاونی سه روستای همایجان (رودبال، احمدآباد و خلیلی) بود، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. به دلیل بعد مسافت و تفاوت خدمات‌رسانی تعاونی در هر روستا، احتمال می‌رفت که افراد هر روستاها، در متغیرهای اصلی تحقیق با یکدیگر اختلاف داشته باشند، از این رو هر روستا به‌عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد. براساس حجم جامعه آماری در هر روستا (تعداد اعضای تعاونی)، تعداد ۷۰ نفر از روستای رودبال، ۲۰ نفر از روستای احمدآباد و ۳۳ نفر از روستای خلیلی به‌طور تصادفی برای پرکردن پرسشنامه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود که به‌صورت حضوری تکمیل شد. پرسشنامه از چند بخش مختلف برای سنجش توانمندی خانوادگی، اقتصادی،

1. Siegal and Gardner
2. Bartlett

اجتماعی- فرهنگی، و روانی، و همچنین سنجش میزان رضایت از عضویت در تعاونی تشکیل شده بود. تمامی پرسش‌های مربوط به میزان تأثیر عضویت در شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان در توانمندی اعضا، و همچنین سنجش میزان رضایت اعضا از عضویت در تعاونی، با طیف پنج‌بخشی لیکرت در بازه خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، و خیلی زیاد (۵) اندازه‌گیری شد. روایی ظاهری پرسشنامه در نشست با حضور متخصصان بررسی شد و در نهایت بر اساس نظر آنها در پرسشنامه اولیه، تجدیدنظر صورت گرفت. آزمون پیشاهنگ در میان اعضای شرکت تعاونی روستایی زنان در روستای درز (از توابع بخش مرکزی شهرستان لار) انجام شد و میزان آلفای کرونباخ برای قسمت‌های پرسشنامه در محدوده ۰/۹۲-۰/۸۰ به‌دست آمد. اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شد. آمار توصیفی استفاده‌شده در این تحقیق شامل فراوانی و درصد و در بخش آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون است.

جدول ۱. تعریف کارکردی متغیرهای تحقیق

ابعاد توانمندی	تعاریف کارکردی	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
توانمندی اقتصادی	دربرگیرنده سهم اقتصادی برای رفاه خانواده، دسترسی به منابع اقتصادی و مالکیت دارایی	۹	۰/۹۲
توانمندی خانوادگی	شامل مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به درآمد خانوار، دسترسی به منابع خانواده، مالکیت دارایی‌های خانواده، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده	۶	۰/۸۹
توانمندی اجتماعی- فرهنگی	نگرش به جایگاه اجتماعی و نقش زنان در جامعه و عزت و احترامی که زنان در خانواده و جامعه می‌توانند داشته باشند	۶	۰/۸۰
توانمندی روانی	شامل درک آگاهی‌های جنسیتی با توجه به حقوق اساسی زنان و ظرفیت برای مقابله با شوک‌های روانی	۲۰	۰/۸۸

معرفی شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان (سپیدان)

شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان در روستای رودبال از توابع شهرستان سپیدان در ۵۰ کیلومتری شهر شیراز قرار دارد، که از سال ۱۳۷۴ آغاز به کار کرده است. این تعاونی در ابتدای تأسیس ۱۵۰ عضو داشت و اکنون تعداد اعضای آن به ۳۰۰ نفر ارتقا یافته است. موفقیت این تعاونی به حدی رسید که توانست عنوان افتخارآمیز مدیریت نمونه شرکت تعاونی را دریافت کند، و در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ به‌عنوان تعاونی نمونه استانی و در سال ۱۳۸۳ به‌عنوان تعاونی نمونه کشوری انتخاب شد. از مهم‌ترین فعالیت‌ها و برنامه‌های شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان می‌توان به این موارد اشاره کرد: انجام اموری نظیر خرید و پرواربندی گوسفند، تأسیس صندوق قرض‌الحسنه و پرداخت وام به اعضا، پرورش کرم ابریشم، پرورش مرغ، احداث نانوايي، خرید و فروش محصولات کشاورزی، خرید و فروش نهاده‌های کشاورزی با هدف رونق کشاورزی منطقه، تأسیس و راه‌اندازی واحد اعتباری در شرکت تعاونی، آموزش و ترویج نوغانداری و قارچ خوراکی، احداث یک قطعه توتستان به‌مساحت نیم هکتار، تلاش برای عضوگیری در شرکت تعاونی، تشکیل جلسات مشاوره با هدف راهنمایی خانواده‌های تحت پوشش در رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان، و برقراری ارتباط دوسویه و هدفمند با سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط دولتی. از آنجاکه شرکت تعاونی روستایی زنان همایجان (سپیدان) در سطح ملی به‌عنوان شرکت تعاونی روستایی زنان برتر معرفی شده است و نمونه‌ای منحصر به فرد در استان فارس و در سطح ملی به‌شمار می‌آید، برای این پژوهش انتخاب شد و به‌عنوان نمونه‌ای موفق ارزیابی و مطالعه گردید. این شرکت تعاونی، سه روستای رودبال، احمدآباد و خلیلی را تحت پوشش قرار می‌دهد. تعداد اعضای شرکت تعاونی در هرکدام از روستاهای رودبال، خلیلی و احمدآباد به‌ترتیب ۱۷۰، ۸۰ و ۵۰ نفر است. از آنجاکه در زمان انجام این تحقیق ۵ سال از آخرین سال نمونه‌شدن این تعاونی می‌گذشت، پژوهشگران این تعاونی را انتخاب کردند تا بتوانند میزان موفقیت تعاونی را پس از برگزیده‌شدن به‌عنوان تعاونی نمونه نیز بررسی و ارزیابی کنند.

جدول ۲. تعداد اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان به تفکیک روستاها

نام روستا	تعداد اعضا	تعداد نمونه
رودبال	۱۷۰	۷۰
خلیلی	۸۰	۳۳
احمدآباد	۵۰	۲۰
جمع	۳۰۰	۱۲۳

یافته‌ها

ویژگی‌های پاسخگویان

پاسخگویان براساس متغیر سن، در پنج گروه طبقه‌بندی شدند. به‌طور کلی متوسط سن ۴۱ سال و بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال است که ۴۰ درصد پاسخگویان در این طبقه قرار دارند. جوان‌ترین عضو تعاونی ۲۶ سال و مسن‌ترین آنها ۷۸ سال دارد. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۲/۵ درصد) بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی هستند. فقط ۵ درصد از پاسخگویان تحصیلات لیسانس و بالاتر از لیسانس دارند. بیش از سه‌چهارم پاسخگویان متأهل‌اند و درصد زنان بیوه و طلاق‌گرفته ۴/۱ است. شغل بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان خانه‌داری ذکر شد؛ ۲/۵ درصد از پاسخگویان کارمند دولت و ۲/۵ درصد نیز دارای شغل آزاد هستند. داشتن شغل نشان می‌دهد که فرد به منبعی برای کسب درآمد شخصی دسترسی دارد. با توجه به یافته‌ها، کمترین فراوانی (۵/۵ درصد) مربوط به گروه زنان با درآمد خانوادگی بیشتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه و بیشترین فراوانی (۳۷/۳ درصد) مربوط به گروه زنان با درآمد ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است. نزدیک به سه‌چهارم پاسخگویان (۷۳/۷ درصد)، درآمد خانوادگی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند. یافته‌های پژوهش، متوسط سابقه عضویت در تعاونی را ۸/۹ سال نشان می‌دهند، که بیانگر سابقه عضویت نسبتاً بالای اعضاست و فقط سابقه عضویت ۱/۹ درصد پاسخگویان کمتر از ۲ سال است.

دیدگاه اعضای تعاونی در مورد نقش تعاونی در توانمندسازی اعضا

در این بخش، میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر ابعاد گوناگون توانمندی زنان عضو بررسی می‌شود.

توانمندی اقتصادی: یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان، ۲/۲۵ بوده است، که تأثیری کمتر از حد متوسط (۳) را نشان می‌دهد. ۴۹/۲ درصد از پاسخگویان، تأثیر تعاونی بر توانمندی اقتصادی‌شان را اندک ارزیابی کردند، ۴۸/۴ درصد این تأثیر را متوسط برشمردند و فقط ۲/۵ درصد معتقدند که عضویت در تعاونی روستایی زنان همایجان تأثیر زیادی بر توانمندی اقتصادی آنها داشته است.

توانمندی اجتماعی- فرهنگی: براساس یافته‌های پژوهش، میانگین تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی اجتماعی- فرهنگی اعضای تعاونی ۲/۹۵ بوده است. ۱۱/۵ درصد از جمعیت نمونه بیان کردند که عضویت در تعاونی تأثیر کمی بر توانمندی اجتماعی- فرهنگی آنها داشته است. ۷۰/۵ درصد از پاسخگویان این تأثیر را متوسط برشمردند و ۱۸ درصد نیز ابراز کردند که عضویت در تعاونی روستایی زنان همایجان تأثیر زیادی بر توانمندی اجتماعی- فرهنگی آنها داشته است.

توانمندی خانوادگی: یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی خانوادگی اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان، ۲/۹۰ بوده است که تأثیری کمتر از حد متوسط را نشان می‌دهد. ۱۳/۹ درصد از پاسخگویان، تأثیر تعاونی را بر توانمندی خانوادگی‌شان اندک ارزیابی کردند. ۷۴/۶ درصد از پاسخگویان این تأثیر را متوسط برشمردند و ۱۱/۵ درصد نیز به تأثیر زیاد عضویت در تعاونی بر توانمندی خانوادگی اشاره کردند.

توانمندی روانی: توانمندی روانی در پنج بعد معناداری، شایستگی، استقلال، تأثیرگذاری، و اعتماد، مطالعه شد. نتایج نشان داد که میانگین تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی روانی اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان کمتر از حد متوسط (۲/۸۴) بوده است. ۱۲/۳ درصد از

پاسخگویان بیان کردند که عضویت در تعاونی تأثیر کمی بر توانمندی روانی آنها داشته است، ۷۸/۷ درصد از پاسخگویان، این تأثیر را متوسط برشمردند و ۹ درصد نیز بیان کردند که عضویت در تعاونی تأثیر زیادی بر افزایش توانمندی روانی آنها داشته است.

جدول ۳. دیدگاه اعضا در خصوص تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان بر ابعاد توانمندی زنان عضو

انحراف معیار (SD)	میانگین (Mean)	ابعاد توانمندی
۰/۶۴	۲/۲۵	توانمندی اقتصادی
۰/۶۹	۲/۹۵	توانمندی اجتماعی - فرهنگی
۰/۷۱	۲/۹۰	توانمندی خانوادگی
۰/۷۱	۲/۹۳	توانمندی روانی - بعد معناداری
۰/۶۵	۲/۸۵	توانمندی روانی - بعد شایستگی
۰/۶۱	۲/۸۵	توانمندی روانی - بعد استقلال
۰/۶۳	۲/۷۸	توانمندی روانی - بعد تأثیرگذاری
۰/۶۱	۲/۷۹	توانمندی روانی - بعد اعتماد

مقیاس ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد و ۵: خیلی زیاد

متغیرهای مرتبط با نقش تعاونی در توانمندسازی اعضا

در پژوهش حاضر برای تعیین همبستگی میان متغیرهای تصادفی و ابعاد گوناگون توانمندی، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. تحلیل داده‌ها در مورد رابطه متغیرهای زمینه‌ای با ابعاد توانمندی اقتصادی نشان داد که متغیرهای «درآمد» و «میزان زمین کشاورزی» در سطح ۰/۰۵ و متغیر «میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی» در سطح ۰/۰۱ رابطه معناداری با توانمندی اقتصادی دارند، که با نتایج تحقیق جایارامان (۱۹۷۵) همخوانی دارد. این نتایج همچنین یافته‌های تحقیقات کتابی و همکاران (۱۳۸۲) را -که نشان دادند زنان دارای شغل و درآمد، توانمندی بالاتری دارند- تأیید می‌کنند.

در خصوص متغیرهای همبسته با توانمندی خانوادگی زنان عضو تعاونی، نتایج نشان دادند که برای متغیر «میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی» فقط متغیر زمینه‌ای بررسی شده است، که آن هم با توانمندی خانوادگی رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ دارد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان دادند که از میان متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده، متغیر «میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی» رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ و متغیر «تعداد اعضای خانواده» رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ با توانمندی اجتماعی- فرهنگی دارند. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهند که از میان متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده، متغیر «میزان زمین کشاورزی» رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ با توانمندی روانی کلی و ابعاد معناداری و اعتماد دارد. بین متغیر «درآمد» با تمامی ابعاد توانمندی روانی (ابعاد معناداری و اعتماد در سطح ۰/۰۵ و سایر ابعاد در سطح ۰/۰۱) رابطه معناداری وجود دارد. متغیر «تعداد اعضای خانواده» با همه ابعاد توانمندی روانی (با بعد شایستگی در سطح ۰/۰۵ و سایر ابعاد در سطح ۰/۰۱) و جز با بعد اعتماد، رابطه معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق شکوری و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارند. علاوه بر این، بین متغیر «میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی» با تمامی ابعاد توانمندی روانی، رابطه معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، همبستگی شدیدی بین سطح رضایتمندی اعضا از هیئت مدیره تعاونی با میزان توانمندی آنها در ابعاد گوناگون وجود دارد. بدون شک، ارتباط و تعامل بیشتر اعضا و هیئت مدیره که چه‌بسا بر اثر رضایتمندی اعضا از هیئت مدیره و تعاونی است، می‌تواند نقش مؤثری در توانمندسازی اعضا داشته باشد. به عبارت دیگر، تعامل و مشارکت در فعالیت‌های تعاونی - که یکی از اصول اساسی در تعاونی است - از نکات محوری در موضوع توانمندسازی به‌شمار می‌رود.

لازم به ذکر است که ارتباط بین متغیرهای مستقل سن، میزان تحصیلات و میزان سابقه عضویت در تعاونی نیز با متغیر وابسته بررسی شد و از آنجا که رابطه معناداری مشاهده نگردید، از ذکرشان در جدول صرف‌نظر شد.

جدول ۴. همبستگی میان متغیرهای تصادفی و ارتقای ابعاد گوناگون توانمندی

	میزان زمین کشاورزی	تعداد اعضای خانواده	درآمد	رضایتمندی	بهبود ابعاد توانمندی
توانمندی اقتصادی	سطح معناداری *۰/۰۲۶	۰/۱۰۳	۰/۰۲۳*	۰/۰۰۰**	۰/۳۵۷
توانمندی اجتماعی- فرهنگی	سطح معناداری *۰/۲۳۴	۰/۰۳۵*	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰**	۰/۳۹۴
توانمندی خانوادگی	ضریب همبستگی ۰/۲۲۷	۰/۱۶۰	۰/۲۱۷	-۰/۰۹۱	۰/۲۸۸
توانمندی روانی	سطح معناداری *۰/۲۳۴	۰/۱۴۷	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۱**	۰/۵۹۰
	ضریب همبستگی ۰/۱۲۹	۰/۱۹۹	۰/۴۲۵	-۰/۰۷۷	۰/۴۲۸
	سطح معناداری *۰/۲۳۴	۰/۱۹۹	۰/۴۲۵	۰/۰۰۰**	
	ضریب همبستگی ۰/۲۱۳	۰/۱۲۶	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰**	

معناداری در سطح ۰/۰۵: ** معناداری در سطح ۰/۰۱: *

تحلیل رگرسیون عوامل مؤثر بر توانمندی اعضای تعاونی

به منظور بررسی و تحلیل مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان توانمندی اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان استان فارس و تعیین توانایی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی میزان توانمندی روانی اعضا، از آزمون آماری رگرسیون چندگانه استفاده شد.

برای شناخت مدل رگرسیونی نیز روش گام‌به‌گام^۱ به کار گرفته شد. پس از وارد کردن تمامی متغیرهای دارای همبستگی معنادار با متغیر وابسته، نتایج جدول ۵ به دست آمد. منظور از توانمندی در این آزمون، مجموع توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی و روانی است.

1. Stepwise

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام عوامل مؤثر بر توانمندی اعضای تعاونی

Std. E	R ²	R	Sig.	Beta	B	متغیر مستقل
			۰/۰۰۰		۱/۸۴۳	Constant
۰/۳۵	۰/۲۱۵	۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	۰/۳۳۲	میزان رضایتمندی
۰/۳۱	۰/۲۶۲	۰/۵۱۲	۰/۰۲۳	۰/۲۵۴	۰/۱۷۸	میزان درآمد

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که در گام نخست، متغیر میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده میزان توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی زنان همایجان، وارد معادله می‌شود. تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که دومین متغیر تأثیرگذار بر میزان توانمندی زنان اعضای تعاونی که در گام بعدی وارد معادله می‌شود، میزان درآمد است. مقدار بتا در گام نخست بیان می‌کند که یک واحد افزایش انحراف معیار در متغیر میزان رضایتمندی، باعث افزایش ۰/۳۱۲ انحراف معیار در میزان توانمندی اعضای تعاونی روستایی زنان همایجان می‌شود. در گام دوم، مقدار بتا نشان می‌دهد که یک واحد افزایش انحراف معیار در متغیر میزان درآمد، موجب افزایش ۰/۲۵۴ انحراف معیار در توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی زنان همایجان می‌شود. مقدار ضریب همبستگی نهایی ($r=0/512$) حاکی از آن است که همبستگی بینابینی (متوسط) میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهند که فقط دو متغیر در مدل رگرسیون وارد شدند. رابطه (۱) براساس ضرایب به‌دست‌آمده برای پیش‌بینی میزان توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی پیشنهاد شده است.

رابطه (۱)

$$Y=1/843+0/332X_1+0/178 X_2$$

که در آن، Y = میزان توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی؛ X_1 = میزان رضایتمندی اعضا از تعاونی؛ و X_2 = میزان درآمد اعضاست. مجذور ضریب همبستگی^۱ در مرحله نهایی نشان می‌دهد که متغیرهای نام‌برده، ۲۶/۲ درصد از تغییرات میزان توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی زنان را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر، ۶۳/۸ درصد از نوسان‌های مربوط به عوامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان عضو تعاونی روستایی زنان، ناشی از عواملی است که در این تحقیق مطالعه نشدند.

نتیجه‌گیری

رویکرد تعاونی یکی از بهترین سازوکارهای مشارکت مردمی نظام‌مند در فعالیتهای اقتصادی اجتماعی است که اشتغال و معیشت پایداری برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد ایجاد می‌کند. این رویکرد، راهکاری بسیار مناسب برای توانمندسازی زنان است، چراکه گروهی از زنان به دلیل مسئولیتهای چندگانه و دسترسی کمتر به برخی منابع قادر به راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل نیستند و نمی‌توانند به‌تنهایی به اهداف اقتصادی و اجتماعی‌شان دست یابند. این رویکرد در دهه‌های اخیر در ایران مورد توجه و حمایت دولت قرار گرفته و تعاونی‌های زنان طی سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۷).

پژوهش حاضر نشان داد که صرفاً عضویت در تعاونی موجب توانمندسازی زنان نخواهد شد، بلکه مشارکت در فعالیتهای مختلف تعاونی است که در عمل تأثیر شایانی بر توانمندسازی زنان دارد. تأثیری که تعاونی می‌تواند بر اعضا بگذارد، به میزان مشارکت اعضا در فعالیتهای گوناگون بستگی دارد. ارتباط مستمر بین هیئت مدیره و اعضای تعاونی و آگاه‌ساختن اعضا از اهداف، برنامه‌ها و فعالیتهای تعاونی، افزون‌براینکه رضایتمندی اعضا را از هیئت مدیره و

1. R Square

تعاونی افزایش می‌دهد، می‌تواند موجب جلب مشارکت اعضا در این برنامه‌ها و فعالیت‌ها نیز بشود. از سوی دیگر، ارتباط مداوم بین تعاونی‌های روستایی زنان با سازمان‌های مرتبط و ارزیابی‌های منظم از فعالیت‌های تعاونی به وسیله سازمان‌های ذی‌ربط، نقش بسیار مهمی در تقویت و بهبود عملکرد تعاونی‌های زنان خواهد داشت.

همان‌گونه که مشاهده گردید، میزان تأثیر تعاونی روستایی زنان همایجان در توانمندسازی اعضا - در همه ابعاد توانمندی - کمتر از متوسط برآورد شده است. تأثیرگذاری شرکت‌های تعاونی بر اعضا، به میزان تعامل بین اعضا و تعاونی و همچنین میزان مشارکت اعضا در فعالیت‌های گوناگون تعاونی بستگی دارد. شرکت‌نکردن و شرکت‌ندادن اعضا در فعالیت‌ها و برنامه‌های تعاونی، موجب شده است که تعاونی روستایی زنان همایجان نتواند آن‌گونه که شایسته است اعضا را در ابعاد مختلف، توانمند سازد. تعاونی هنگامی می‌تواند تأثیری مثبت بر توانمندی اقتصادی اعضا داشته باشد که با ایجاد اشتغال برای اعضا - به صورت مستقیم - یا با سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سودآور اقتصادی - به صورت غیرمستقیم - بتواند منبع درآمدی برای اعضا ایجاد کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که تعاونی روستایی زنان همایجان در ایجاد اشتغال پایدار برای اعضا موفق نبوده است، و تنها درآمد حاصل از عضویت در تعاونی برای اعضا، همان سود حاصل از فعالیت دو باب فروشگاه و یک باب نانوايي فعال تعاونی است. در زمینه توانمندی اجتماعی - فرهنگی نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهند که اعضا مشارکت چندانی در فعالیت‌های تعاونی ندارند. تنها فعالیت تعاونی مربوط به دو باب فروشگاه و یک باب نانوايي است که در آنها نیز نیاز به حضور اعضا احساس نمی‌شود. از طرف دیگر، ابعاد مختلف توانمندی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند؛ به عنوان مثال اگر تعاونی نتواند توانمندی روانی اعضا را افزایش دهد، توانمندی خانوادگی اعضای تعاونی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

با توجه به مرور پیش‌نگاشته‌ها، تردیدی نیست که ایجاد تشکل‌ها و به‌ویژه تعاونی‌ها می‌تواند موجب توانمندسازی اعضا گردد. اما نکته‌ای که بسیار مهم به نظر می‌رسد این است که

آیا تعاونی‌های تشکیل شده همچنان بر اساس اهداف از پیش تعیین شده در حرکت‌اند، یا اینکه بر اساس شرایط موجود تغییر مسیر داده‌اند و بدون در نظر گرفتن اهداف اولیه راه دیگری را در پیش گرفته‌اند. برخی از اهداف ایجاد تعاونی‌های زنان روستایی عبارت است از بهبود وضعیت زندگی زنان روستایی و خانواده‌های آنان؛ ایجاد امکان فعالیت به صورت دسته‌جمعی؛ برخورداری زنان روستایی از شخصیت حقوقی در قالب گروه؛ تبادل نظر و همکاری زنان روستایی برای حل مسائل و مشکلات موجود؛ دسترسی بیشتر زنان روستایی به اعتبارات، بازار و مراجع تصمیم‌گیری؛ و فراهم آوردن امکان آموزش‌های لازم برای زنان روستایی. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مشارکت در فعالیت‌های تعاونی، هسته اصلی و زمینه‌ساز تحقق اهداف مذکور است و در صورت عدم مشارکت اعضا در فعالیت‌های تعاونی، برآورده شدن این اهداف دور از انتظار خواهد بود.

پیشنهادها

از آنجا که فقدان تعامل میان اعضا و هیئت مدیره، و مشارکت نداشتن اعضا در فعالیت‌های تعاونی از مهم‌ترین مشکلات تعاونی روستایی زنان همایجان به‌شمار می‌رود، و این دو عامل تأثیر بسیاری بر توانمندی اعضای تعاونی در ابعاد گوناگون آن دارند، اهداف و برنامه‌های تعاونی بایستی به گونه‌ای تدوین شوند که بیشترین میزان مشارکت اعضا را در فعالیت‌ها و برنامه‌های تعاونی به دنبال داشته باشند. برگزاری جلسات میان اعضا و هیئت مدیره و ارائه گزارش‌های منظم و مستمر مربوط به فعالیت‌های تعاونی، می‌تواند آگاهی اعضا را از برنامه‌های تعاونی افزایش دهد و زمینه ایجاد انگیزه و افزایش علاقه اعضا را برای مشارکت در این برنامه‌ها فراهم آورد. از دیگر پیشنهادهایی که با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان ارائه کرد، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای اعضای هیئت مدیره به منظور ایجاد مهارت‌های ارتباطی با اعضاست.

نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که میزان درآمد، دومین متغیر تأثیرگذار بر توانمندی اعضای تعاونی است. مرور پژوهش‌های مرتبط نیز نشان می‌دهد که توانمندی اقتصادی با توانمندی روانی و توانمندی خانوادگی ارتباط دارد، و واضح است که میزان درآمد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر توانمندی اقتصادی داشته باشد. لذا برای اینکه تعاونی‌ها بتوانند موجب توانمندی اعضای‌شان گردند، بایستی در وهله اول سوددهی اقتصادی داشته باشند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران امر تعاون، در دادن مجوز برای تأسیس تعاونی‌ها با در نظر گرفتن طرح‌های توجیه اقتصادی آنها، دقت کافی مبذول دارند.

محدودیت‌های تحقیق و مسیر آینده مطالعات

اگرچه این تحقیق بینشی را در خصوص سهم و نقش تعاونی روستایی زنان در توانمندسازی اعضا فراهم می‌کند، اما باید به جنبه‌های خاص و محدودیت‌های آن نیز توجه داشت. نکته اول اینکه، در این پژوهش صرفاً یک نمونه موفق مطالعه شده است، و محدودیت اعتبار خارجی برای آن وجود دارد. با توجه به ویژگی‌های فردی نمونه آماری تحقیق، ممکن است یافته‌های آن تعمیم‌دانی به جوامع دیگر نباشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که متغیرهای بررسی شده توانایی تبیین ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را داشتند و نتوانستند درصد بالایی از متغیر وابسته را تبیین کنند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی اثر سایر متغیرهایی که بر توانمندی مؤثرند از جمله عزت‌نفس، منبع کنترل و تعهد سازمانی نیز بررسی شود. برای تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، لازم است که این مطالعه در سطح استان و همراه با مطالعات تطبیقی بیشتری صورت گیرد.

منابع

- آجیلی، عبدالعظیم؛ منجم‌زاده، زهره و اشرفی، پریسا، ۱۳۸۸، بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان استان خوزستان و راه‌های ارتقای کمی و کیفی آنها، ماهنامه تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۹-۲۰۸، صص. ۸۰-۶۳.
- احمدی، محمدتقی، ۱۳۷۸، بررسی عوامل مؤثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی‌های تولید روستایی در قالب الگوی تلفیقی انتشار نوآوری‌ها: مطالعه موردی استان فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اعظمی، موسی و سروش‌مهر، هما، ۱۳۸۹، تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اورامانات)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۴، صص. ۱۷۹-۲۰۴.
- امینی، امیرمظفر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی، ۱۳۸۶، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار-میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال پنجم، شماره ۱، صص. ۹۱-۶۵.
- امینی، امیرمظفر و رضایی، مسعود، ۱۳۷۹، اشتغال زنان روستایی، درآمد و اثر آن در خوداتکایی آنها، ارائه‌شده در همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، دانشگاه الزهرا.
- پزشکی‌راد، غلامرضا و کیان‌مهر، حمید، ۱۳۸۰، نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان گندم‌کار شهرستان سبزوار، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، صص. ۳۹۰-۳۴۳.
- ترکمانی، جواد و عبدشاهی، عباس، ۱۳۷۷، بررسی اقتصادی طرح محوری گندم: مطالعه موردی استان فارس، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ششم، شماره ۲۱، صص. ۲۹-۷.
- جیمز ای.اف، ادوارد آر. فریمن و دانیل آر. گیلبرت، ۱۳۷۹، مدیریت: مقدمه‌ای بر مدیریت، مدیریت در قرن بیست‌ویکم، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

فصلنامه پژوهش‌های روستایی _____ دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳

راودراد، اعظم، ۱۳۷۹، تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، صص. ۲۸-۳.

سروش‌مهر، هما؛ رفیعی، حامد؛ کلانتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین، ۱۳۸۹، بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، صص. ۱۶۹-۱۴۳.

سلطانی، مرجانه، ۱۳۷۸، منشأ پرچم رنگین‌کمان ایکا و روز بین‌المللی تعاون، فصلنامه تعاون، شماره ۱۳۰، صص. ۲۷-۳۲.

سلطانی، مرجانه، ۱۳۸۱، تعاون در جهان، ماهنامه تعاون، شماره ۱۳۵، صص. ۲۹-۲۶.

شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۸۱، توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران.

شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی زنان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال ۳، شماره ۷، صص. ۱۷۶-۱۴۱.

شجاعی، زهرا، ۱۳۸۰، زنان و عرصه مشارکت در تعاونی‌ها، ماهنامه تعاون، شماره ۱۱۹، صص. ۱۳-۱۲.

شعبانعلی فمی، حسین، ۱۳۸۶، اصول ترویج و آموزش کشاورزی در رشته اقتصاد کشاورزی، انتشارات پیام نور، تهران.

شعبانعلی فمی، حسین؛ چوپچیان، شهلا؛ رحیم‌زاده، معصومه و رسولی، فاطمه، ۱۳۸۵، شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال ۴، شماره ۲، صص. ۱۰۹-۸۹.

شعبانعلی فمی، حسین؛ دادورخانی، فضیله؛ چوپچیان، شهلا و رستمی، فرحناز، ۱۳۸۷، تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر عملکرد تعاونی‌های زنان در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۶۶، صص. ۱۳۱-۱۱۷.

شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه، ۱۳۸۶، مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره ۱، صص. ۲۶-۱.

صدیقی، حسن و درویش‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۸۱، بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۲، صص. ۳۲۳-۳۱۳.

طاهرخانی، مهدی و حیدری ساربان، وکیل، ۱۳۸۳، نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی، پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۶، شماره ۴۹، صص. ۱۲۶-۱۱۵.

قاسمی، ارسلان، ۱۳۷۹، آخرین وضعیت اتحادیه تعاونی‌های پرورش میگو، ماهنامه تعاون، شماره ۱۱۰، صص. ۶۳-۶۰.

کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستایی، زهرا، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال ۳، شماره ۷، صص. ۳۰-۵.

ویسی، هادی و بادسار، محمد، ۱۳۸۱، ارزشیابی مشارکتی تعاونی‌های تولیدی زنان روستایی: بررسی موردی تعاونی‌های پرورش ماکیان آمل نیکان و صنایع دستی گلباف در استان مازندران، طرح پژوهشی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، تهران.

Almeleh, N., Soifer, S., Gottlieb, N. and Gutierrez, L. 1993, **Women's Achievement of Empowerment through Activism in the Work place Affilia**, Journal of women and social work, Vol. 8, No.1, PP. 26-39.

Barry, T. 1993, **Empowerment: the US Experience**, Empowerment in Organizations, Vol. 1, No. 1.

Bartlett, J.E., Kotrlik, J.W., Higgins, C.C., 2001, **Organizational Research: Determining Appropriate Sample Size in Survey Research**, Information Technology, Learning, and Performance Journal, Vol. 19, No. 1, PP. 43-50.

Benbasat, I., Goldstein, D., & Mead, M., 1987, **The Case Research Strategy in Studies of Information Systems**, MIS Quarterly, Vol. 11, No. 3, PP. 369-386.

Conger, J.A., & Kanungo, R.N., 1988, **The Empowerment Process: Integrating Theory and Practice**, Academic Management Review, Vol. 13, No. 3, PP. 471-82.

Davis, C., 2010, **Role Occupancy, Quality and Psychological Distress among Caucasian and African American Women**, Affilia- Journal of women and social work, Vol. 26, No. I, PP. 83-89.

- Denmark, F.L., 1993, **Women, Leadership and Empowerment**, Psychological Women Quarterly, Vol. 17, No. 3, PP. 56-343.
- Foy, N., 1994, **Empowering People at Work**, Gower Publishing, London.
- Gandz, J., 1990, **The Employee Empowerment Era**, Business Quarterly, Vol. 55, No. 2, PP. 9-74.
- Grove, P.B. (ed)., 1971, **Websters Third New International Dictionary of the English Language unabridged**, Springfield, MA ,G & C Merriam, P.744.
- Hancer, M. & George, R.T., 2003, **Psychological Empowerment of Non-Supervisory Employees Working In Full-Service Restaurants**, Hospitality Management, Vol. 22, No. 1, PP. 3-16.
- Jayaraman, R., 1975, **Caste Continuities in Ceylon: A Study of Social Structure of Three Tea Plantations**, Bombay, India: Popular Prakashan.
- Johnson, P.R., 1993, **Empowerment in the Global Economy**, Empowerment in Organizations, Vol. 1, No. 1.
- Kabeer, N., 1999, **Resources, Agency and Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment**, Development and Change, 30, PP. 435-464.
- Kanter, R.M., 1977, **Men and Women of the Corporation**, Basic Books, New York, NY.
- Kappelman, L.A., & Richards, T.C., 1996, **Training, Empowerment, and Creating a Culture for Change**, Empowerment in Organizations, Vol. 4, No. 3, PP. 26-9.
- Koberg, C.S., Boss, W., Senjem, J.C., & Goodman, E.A., 1999, **Antecedents and Outcomes of Empowerment: Empirical Evidence From The Health Care Industry**, Group and Organization Management, Vol. 34, No. 1, PP. 71-91.
- Raheim, S., & Bolden, J., 1995, **Economic Empowerment of Low Income Women through Self-employment Programs**.
- Schneider, B., 1987, **The People Make the Place**, Personnel Psychology, Vol. 40, No. 3, PP. 437-453.

- Siegal, M. & Gardner, S., 2000, **Contextual Factors of Psychological Empowerment**, Personnel Review, Vol. 29, No. 6, PP. 703-22.
- Spreitzer, G.M., 1995, **Psychological Empowerment in the Workplace: Dimensions; Measurement and Validation**, The Academy of Management Journal, Vol. 38, No. 5, PP. 1442-1465.
- Thomas, K. & Velthouse, B., 1990, **Cognitive Element of Empowerment: An Interpretive Model of Intrinsic Task Motivation**, Academy of Management Review, Vol. 15, No. 4, PP. 666-681.
- World Bank, 1998, **World Development Report 1998/1999: Knowledge for Development, Washington, DC, USA**, World Bank, Retrieve 1 October 2004 (<http://go.worldbank.org/CW2OKZ6NY0>).